

علل همسرکشی با تأکید بر سیاست جنایی اسلام

سید میرآغا کاظمی^۱

چکیده

همسرکشی به معنای قتل همسر توسط همسر دارای دو مصداق قتل زن به دست مرد و قتل مرد توسط زن است. این پدیده متأثر از عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. با رشد روزافزون آمار همسرکشی در جامعه، امروزه این پدیده در کانون توجه اندیشوران و مدیران جامعه قرار گرفته است. با این وجود بیشترین مطالعاتی که نسبت به این موضوع انجام شده است پژوهش‌های میدانی بوده است. اما از منظر آموزه‌های اسلامی، در نگاه علت‌شناسانه علل گوناگونی را می‌توان یافت که قابلیت ایفاء نقش دارد؛ برخی کمتر و برخی دیگر بیشتر. بررسی آموزه‌های اسلامی نشان می‌دهد که فقدان اکسیر کیمیاگر محبت و عشق از یک‌سو و رواج پدیده شوم اعتیاد به انواع مواد مخدر و روان‌گردان از سوی دیگر، نقش کلیدی در گسترش همسرکشی ایفاء می‌کند. چرا که بسیاری از ریز علت‌های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی به دو علت فوق برمی‌گردند. اما قانون‌نگاری، آن‌سان که برخی ادعا کرده‌اند، از دید پژوهش حاضر نقش چندانی در شیوع پدیده همسرکشی ندارد و مورد نقد قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: همسرکشی، آموزه‌های اسلامی، اعتیاد به مواد مخدر، خانواده.

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، موسسه آموزش عالی علوم انسانی، جامعه المصطفی العالمیه، قم.

مقدمه

همسرکشی از جمله مسائل اجتماعی است که از زوایای مختلفی قابل بررسی و تحلیل است. به عنوان نمونه از منظر جرم‌شناسی، بحث از چیستی و علل و عوامل این پدیده و راهکارهای مقابله مؤثر با وقوع آن است؛ روانشناسی دلایل و علل روانی وقوع این پدیده را مورد کنکاش قرار می‌دهد؛ جامعه‌شناسی جنایی علل اجتماعی مؤثر بر این پدیده، نظیر بحران اقتصادی- فرهنگی که به نوعی در تزلزل بنیان خانواده مؤثر است را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و از نظر سیاست جنایی مهم‌ترین استراتژی‌های مؤثر در کاهش این پدیده را در قلمرو جامعه اسلامی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. همسرکشی هر چند از نظر میدانی سابقه پژوهشی دارد و در این زمینه قطع از نظر از کشورهای غربی که پژوهش‌های مختلفی را به انجام رسانده‌اند در داخل ایران نیز برخی از پژوهش‌ها صورت گرفته است که در پیشینه تاریخی این نوشتار مورد اشاره قرار می‌گیرد؛ اما از منظر سیاست جنایی آن‌هم با نگاه به آموزه‌های اسلامی پژوهشی قابل ذکری صورت نگرفته است. لذا این ضرورت احساس می‌شود که به این معضل رو به رشد و در عین حال نگران‌کننده جامعه به صورت همه‌جانبه و مخصوصاً از منظر آموزه‌های اسلامی نگریسته شده، کاستی‌های مؤثر شناسایی و راهکارهای برون‌رفت از آن شناسانده شده، و به متولیان امر پیشنهاد شود تا با کاربری آن‌ها شاهد استحکام هر چه بیشتر نهاد مقدس خانواده باشیم. بدین جهت بر این شدیم تا در پژوهش حاضر، پس از بررسی کلیات (گفتار اول) علل ابزاری و واقعی (گفتار دوم) آن را از منظر سیاست جنایی اسلام و نظریات اندیشمندان بررسی نموده و میزان توجه‌گری آن‌ها را مورد ارزیابی قرار دهیم.

۱. تبیین مفاهیم

۱-۱. تعریف همسرکشی

همسرکشی اصطلاح عام است که در خارج دو مصداق برای آن متصور است. برخلاف گذشته (که قتل زن توسط مرد شایع بود) امروزه هر دو مصداق آن شایع است. اولین مصداقی که بیشتر در عرف عام به ذهن می‌آید همسرکشی یعنی این که مردی همسر



خود را به قتل برساند و با این عمل به تمام آرزوهای زندگی مشترکشان نقطه پایان بگذارد و منظور از مصداق دیگر آن که کمتر به ذهن می‌آید ولی از نظر آماری کمتر از مورد فوق نیست این است که زنی به حیات مرد زندگی خود پایان بدهد (حبیب نژاد دلداری، ۱۳۹۶: ۱۲). به این ترتیب یک‌راه بی‌بازگشت را در مسیر زندگی خانوادگی انتخاب کند. هرچند در لایه‌های ماده‌های قانونی نمی‌توان به صورت خاص جرمی به اسم همسرکشی پیدا کرد؛ چراکه این جرم خود نیز از انواع قتل است. اما می‌توان گفت که این قتل با تمام انواع قتل، فرق دارد، از این جهت که هرچند هر نوعی قتل، قطع نظر از مشروع یا عدم مشروعیت آن، ناگزیر افرادی را ناراحت و داغدار می‌کند و پیامدهای روانی بدی از خود برجا می‌گذارد. اما قتل همسر توسط همسر که قرار بوده همدم هم باشند و در سختی‌های زندگی تکیه‌گاه هم، امری بسیار نادرست و زشت جلوه می‌کند که حتی از نظر همه حتی خود عاملین آن، زیرا فردی که دست به چنین جنایتی می‌زند پس از لحظاتی نه‌چندان طولانی، به یک‌باره می‌بیند که چطور به دست خود نه تنها تمام آرزوهای خود را سر بریده بلکه آینده فرزندان خود را نیز به باد فنا داده است و دو خانواده را در یک نفرت همیشگی در تقابل هم قرار داده است. باری، مراد از همسرکشی در این نوشتار معنای عام آن مدنظر است که شامل قتل یکی از زوجین توسط دیگری می‌شود.

۱-۲. ماهیت همسرکشی

با بررسی مواد قانون و کتاب‌های حقوق کیفری اختصاصی، اساساً جرمی مستقل تحت عنوان همسرکشی مشاهده نمی‌شود. چه این که نگارندگان قانون ترجیح داده‌اند این جرم تحت عنوان ضابطه کلی قتل باقی بماند. از این رو، از نظر ماهیت نمی‌توان قتل همسر، به دست همسر را جرم مستقل و تحت عنوان و شرایط خاص دانست. بلکه برای فهم آن باید به مواد عمومی مربوط به قتل مراجعه کرد. اما نکته که نباید از نظر دور داشت این است که قانون‌گذار قانون مجازات اسلامی ایران در ماده ۶۳۰، حکم فقهی را لباس قانون پوشانیده است که بیانگر جواز قتل زن به دست مرد است البته باید یادآور شد که محتوای این حکم بی‌پیشینه نیست بلکه در ماده

۱۹۷ قانون.م.ع. ۱۳۰۴۱ ایران نیز آمده بود^۱ این ماده از ماده ۳۲۴ قانون جزای فرانسه، مصوب سال ۱۸۱۰ که بیان می‌داشت «مردی که زن خود را در خانه مشترک زوجیت، در حال زنا با مردی دیده و مرتکب قتل آن‌ها شده از معافیت قانونی بهره‌مند است» اقتباس شده بود. مفهوم این ماده در قوانین برخی کشورهای دیگر نظیر امریکا نیز دیده می‌شود. (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶: ۱۹۱) به باور برخی حقوق‌دانان، علت اصلی این حکم، تحریک شوهر از مشاهده عمل خیانت زن است. بنابراین از نظر ماهیت همسرکشی نوعی از قتل است که بسته به شرایط و نحوه وقوع می‌تواند ذیل یکی از اقسام قتل جا بگیرد.

۳-۱. تاریخچه همسرکشی

قتل زن به دست مرد در گذشته‌ها از شیوع بیشتری برخوردار بوده است و به صورت عموم این موضوع مورد رغبت مردان نبوده است که آن را گزارش کنند. چنانکه جان استوارت میل فیلسوف انگلیسی باور دارد که در جوامع انسانی از بدو شکل‌گیری، زنان در قید و اسارت مردان بوده است و مردان در حاشیه امنی که قوانینی عموماً مردسالارانه برای آنان ایجاد کرده بود، هرچه می‌خواستند در حق زنان انجام می‌دادند؛ حتی اگر مرتکب قتل آنان می‌شدند مجازات سنگینی در انتظار آنان نبود. (ماریا، ۱۳۷۷: ۲۸) در کشوری مانند بریتانیا در قرن ۱۹ خشونت‌های نظیر کتک خوردن زنان توسط مردان قانونی بوده است و همین زمینه را برای خشونت‌های شدیدتر مثل قتل فراهم می‌کرده است. مثلاً اولین امپراتور مسیحی روم، همسرش را زیر شکنجه کشت و بر این عمل خود لباس مقدس پوشاند. در متون اسلامی، اولین همسرکشی در قرن اول هجری آن‌هم در خاندان نبوت اتفاق افتاد گزارشگران تاریخی نقل کرده‌اند که جعه با وعده‌های واهی، شوهرش امام حسن^(ع) را زهر داد و بر اثر آن، امام به شهادت رسید (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۱۵/۲؛ ابن شهر آشوب، ۲۰۲/۳؛

۱. ماده ۱۷۹ - «هرگاه شوهری زن خود را با مرد اجنبی در یک فراش یا درحالی که به‌منزله وجود در یک فراش است، مشاهده کند و مرتکب قتل یا جرح یا ضرب یکی از آن‌ها یا هردو شود، معاف از مجازات است. هرگاه کسی به طریق مزبور دختر یا خواهر خود را با مرد اجنبی ببیند و در حقیقت هم‌علاقه زوجیت بین آن‌ها نباشد و مرتکب قتل شود از یک ماه تا شش ماه به حبس تأدیبی محکوم خواهد شد و اگر در مورد قسمت اخیر این ماده مرتکب جرح یا ضرب شود، به حبس تأدیبی از هشت روز تا دو ماه محکوم می‌شود».



ابوالحسن اربلی، ۲/۲۰۷). از نظر پیشینه پژوهشی علی‌رغم سابقه پرشکوه دنیای اسلام، در زمینه پژوهش‌های گسترده علمی، در مورد همسرکشی نمی‌توان به سابقه‌ای قابل‌ذکری دست یافت. اما گسترده‌ترین تحقیق در این زمینه در ایالات متحده آمریکا، توسط مارگو ویلسون و مارتین دالی تحت عنوان «در همسرکشی قاتل کیست» انجام شد. این محققان نسبت جنسی همسرکشی را در آمریکا طی سال‌های ۱۹۷۶ و ۱۹۸۵ مورد بررسی قرار داده‌اند و به این نتیجه دست یافتند که نسبت جنسیتی همسرکشی در ایالت متحده دو برابر کشورهای انگلیسی‌زبان اروپای غربی و استرالیا هست (کریمی‌پارچین، ۱۳۹۱، ۲۶). تحقیق دیگری در انگلستان در سال ۲۰۰۳ توسط فیونا بروکمن و مایک ماگیر از جرم‌شناسان برجسته بریتانیا در خصوص ظرفیت‌های بالقوه کاهش همسرکشی انجام شد. نتایج این پژوهش نشان داد که یک‌پنجم از تمام قتل‌ها در انگلیس و ولز مربوط به همسرکشی است (Mari & Kevin, 2003:267).

در کشورهای نظیر ایران به دلیل موانع فرارو، نظیر عدم همکاری جدی مراجع ذی‌ربط، عدم درک و اهمیت پژوهش‌های میدانی، شاهد به ثمر نشستن طرح‌های تحقیقاتی کمتری هستیم. با این وجود، پژوهش‌هایی انجام شده است که شاخص‌ترین آن‌ها، پژوهشی است تحت عنوان «همسرکشی و انگیزه‌های آن» که توسط خانم شهلا معظمی و محمد آشوری در موسسه تحقیقات علوم جزایی و جرم‌شناسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۳ انجام شده است.

۲. علل همسرکشی

در حال حاضر همسرکشی، به دلیل افزایش نرخ آن، به یکی از معضلات اجتماعی تبدیل شده است. در ایران به‌ویژه بعد از حادثه کشته شدن خانم ۱۷ ساله‌اوازی در ۱۷ بهمن ۱۴۰۰ و چرخاندن سر بریده آن در شهر، باری دیگر جامعه را تکان داد و خیلی‌ها را به واکنش نسبت به این پدیده واداشت، یک عده در فضای مجازی هشتک بی‌ناموسی و بی‌غیرتی راه انداختن، عده‌ای دیگر دین و نظام دینی را مقصر درجه اول قلمداد کرده و برخی نیز سیاست تقنینی ایران را آماج قرار داده و از ناکارآمدی یا

حداقل از نواقص آن سخن‌ها گفتند که در این نوشتار به علل همسرکشی از منظر علت شناختی اشاره خواهیم کرد تا مشخص شود که کدام علت واقعی و کدام غیرواقعی است.

۱-۲. قانون‌گذاری نامناسب

برخی معتقد هستند که ریشه این حوادث را، باید در سیاست تقنینی نامناسب و ناکارآمد کشور جستجو کرد؛ به عنوان مثال یکی از نویسندگان در واکنش به حادث اهواز در یادداشتی کوتاه این گونه ابراز نظر کرد: «این جانب بر این نظرم که یکی از علل رواج بی اخلاقی، وضعیت بد قانون‌گذاری در کشور است» (محقق داماد، ۱۴۰۰) این نویسنده برای اثبات مدعای خود به ماده ۲۰۳^۱ ماده ۶۳۰^۲ قانون مجازات اسلامی ایران اشاره کرده است.

به نظر ایشان علت اصلی این نوع ناهنجاری‌ها، شیوه نادرست قانون‌گذاری است؛ چراکه قلم به دستان قانون نگار، بدون توجه به پیامدهای مواد قانونی، دست به قانون نگاری می‌زنند و این خود باعث می‌شود که شاهد رواج خشونت‌های مثل قتل همسر باشیم. زیرا تبدیل این نوع مسائل فقهی به قانون و انشای آن‌ها در قانون مملکتی برای اجرا، به جای ترغیب به گذشت و خویشن داری و توصیه به رعایت نظم و انضباط و پناه دانستن دستگاه قضائی، افراد را تشویق به قتل و آدمکشی خودسرانه بدون مراجعه به دستگاه قضایی می‌کند.

این دسته از نویسندگان معتقد هستند برای کاهش و فروکش کردن تب آماری این نوع از جنایت‌های ددمنشانه، قبل از همه، شیوه قانون‌گذاری اصلاح گردد؛ چه این که

۱. ماده ۳۰۳- «هرگاه مرتکب، مدعی باشد که مجنی علیه، حسب مورد در نفس یا عضو، مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است یا وی با چنین اعتقادی، مرتکب جنایت بر او شده است این ادعا باید طبق موازین در دادگاه ثابت شود و دادگاه موظف است نخست به ادعای مذکور رسیدگی کند. اگر ثابت نشود که مجنی علیه مشمول ماده (۳۰۲) است و نیز ثابت نشود که مرتکب بر اساس چنین اعتقادی، مرتکب جنایت شده است مرتکب به قصاص محکوم می‌شود ولی اگر ثابت شود که به اشتباه با چنین اعتقادی، دست به جنایت زده و مجنی علیه نیز موضوع ماده (۳۰۲) نباشد مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به مجازات مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود».

۲. ماده ۶۳۰- «هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد، می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند».



در صورت بی توجهی یا کم توجهی به پیامدهای قانون گذاری، شاهد سوء استفاده از مفاهیم مقدس دینی خواهیم بود. چه این که این نحو از سیاست گذاری کیفری، نوعی نقض قوانین و اخلال در نظم عمومی را تحت عناوینی مانند «امر به معروف و نهی از منکر» و «یا غیرت دینی» آموزش می دهد (محقق داماد همان). مشکل عدم توجه به پیامدهای قانون گذاری از سوی برخی حقوقدانان دیگر نیز مورد توجه قرار گرفته است. به باور این دسته عدم توجه به این مهم، قانون گذاری کیفری را با اغتشاش مواجهه کرده است (نوروزی، ۱۴۰۰). این نوع قانون گذاری که در حقیقت رخصت کشتن زنان را به مردان داده است در واقع حق داور، قضاوت و صدور و اجرای یک حکم قتل را به دست مردان سپرده است (مجبی، ۱۴۰۱). این نوع نگاه به قوانین تنها منحصر در حقوقدانان داخلی نمی شود بلکه عمده رسانه های ضد انقلاب تنها علت وقوع این نوع جنایات را در کشورهای اسلامی، به قوانین (که برگرفته از قوانین (مرتجع شرع) به قول آنان است) پیوند می دهد.

اما نادرستی این نگاه در جای خود ثابت شده است و به آن پاسخ هم داده شده است که به صورت خلاصه می توان این گونه اشاره کرد: نخست، همسرکشی مساوی با زن کشی نیست بلکه متأسفانه باید ابراز کرد که هر چند آمار جهانی از کشته شدن ۸۲ درصد زنان به دست همسرانشان در همسرکشی ها حکایت دارد اما در ایران برعکس است چرا که ۶۰ درصد همسرکشی ها مردکشی است و تنها ۴۰ درصد زن کشی است (۱۴۰۰/۱۲/۲۱). در تهران به عنوان پایتخت ایران نیز همین نسبت ۴۰٪ در ۶۰٪ درست یعنی از ده قتل همسرکشی ۶ مورد مردان به دست زنانشان به قتل می رسد تنها ۴ مورد زنان به دست زنان به قتل می رسد (۱۳۹۷/۱۱/۱). بنابراین اگر علت همسرکشی آموزه های فقهی و یا به تعبیر این ها قانون نگاری آموزه های فقهی بود باید این نسبت برعکس بودی. دوم، هیچ تحقیقی میدانی انجام نشده است که نشان دهد همه این های که دست به این جنایات هولناک زده اند از ماده قانونی خبر داشته باشند و به امید این حاشیه امن، دست به ارتکاب این جنایات زده باشند؛ هر ادعای در چنین مواردی، تا انجام یک تحقیق میدانی، حرف بدون دلیل و ادعای



گزارف است. سوم با بررسی ودقت در پرونده‌ها موجود خواهیم فهمید که بسیاری از حوادث ریشه در علل اجتماعی و فرهنگی دارد که برای اصلاح، الزاماً باید از رهگذر اصلاحات فرهنگی و ارتقاء سواد زیستن و برخی از دیگر راهکارهای دیگر دست یازید. ازاین‌رو، قانون‌گذاری نامناسب نمی‌تواند به‌عنوان علتی فراگیر و همه‌شمول، همه قتل‌های خانوادگی را توجیه کند.

۲-۲. نبود محبت

عشق و محبت نقش کلیدی در استوار نگه‌داشتن ستون‌های خانواده و زندگی زناشویی دارد. ازاین‌رو، نبود یا کمبود آن باعث آثار و پیامدهای در زندگی خانوادگی می‌شود که یکی از مهم‌ترین آن، خشونت‌های خانوادگی و بدترین حالت آن، قتل است که بنیان خانواده را از هم می‌پاشاند. چه این‌که اغلب درگیری‌ها و کشمکش‌ها در اثر نبود این دُرّ گران‌بها در خانواده، به وقوع می‌پیوندد. محبت باعث می‌شود که آرامش و اعتماد در خانواده حاکم شده در نتیجه، از بروز مسائل ناخوشایند در زندگی خانوادگی جلوگیری شود (طوسی، ۱۳۹۷، ج ۳/ ۲۴۹). همان‌طوری که خداوند در قرآن می‌فرماید: ایجاد الفت و محبت، صفا و صمیمیت، بین زن و مرد که چه‌بسا ممکن است هیچ نسبتی باهم نداشته باشند ازجمله نشانه‌های رحمت رحمانی خداوند است که بین زن و مرد ایجاد شده است^۱ و اساس قرارگیری زن و مرد در کنار هم و زیر چتر مقدس خانواده، برای آرامش است و این آرامش هم، زمانی نصیب طرفین می‌شود که عشق و محبت در خانواده حاکم باشد. لذا توصیه‌شده است در صورتی بروز ترک‌خوردگی در دیوار محبت، زوجین به‌سرعت به دنبال تعمیر و در نتیجه درصدد اصلاح و خشکانیدن ریشه مشکل برآیند (طوسی، همان، ۲). اگر زوجین، خودشان نتوانستند این مشکل را رفع کنند خداوند دستور داده است با حکمیت درصدد حل مشکل باشند: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يَرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا» (نساء/ ۲۵) و [شما ای حاکمان شرع و عقلا و بزرگان خانواده!] اگر از جدایی و ناسازگاری میان زن و شوهر بیم داشتید، پس داوری

۱. وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (روم/ ۲۱)



از خانواده مرد و داورى از خانواده زن [برای رفع اختلاف] برانگیزید که اگر هر دو داور قصد اصلاح داشته باشند، خدا میان دو داور توافق و سازگاری ایجاد می‌کند [تا به صلاح زن و شوهر حکم کنند]؛ یقیناً خدا [به نیات و اعمال شما] دانا و آگاه است. بنابراین در سیاست جنایی اسلام زندگی زن‌اشویی باید بر اساس محبت استوار باشد چنانکه از پیامبر بزرگ اسلام (صلی الله علیه وآله) نقل است که فرمود: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أُحِبُّكِ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵/۵۶۹)؛ ابراز عشق مرد به زن چنان تأثیری دارد که هیچ‌گاه از صفحه قلبش پاک نمی‌شود. تأکید آموزه‌های اسلام بر وجود عشق و محبت در بین خانواده مخصوصاً زن و شوهر به دلیل نقش کلیدی آن در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی است که ممکن است در نبود این اکسیر گران‌سنگ به وجود آید. مشکلاتی که از دل نبستن زوجین به همدیگر آغاز می‌شود و تا کشاندن پای فرد ثالث به زندگی مشترک ادامه پیدا می‌کند. بنابراین نگاه راهبردی سیاست جنایی اسلام، در خانواده حاکمیت عشق و محبت در خانواده است تا از رخداد‌های غم‌انگیزی نظیر قتل و ضرب جلوگیری کند. چه این‌که متأسفانه پیامدهای نبود محبت و عشق بین زوجین به همین جا ختم نمی‌شود؛ ممکن است به طلاق و حتی در مواردی به قتل یکی از طرفین هم ختم شود. مؤید بر درستی این ادعا این است که از منظر بسیاری از صاحبان اندیشه در حوزه جامعه‌شناختی انحرافات و نیز تحقیقاتی که صورت گرفته است، بیشترین خشونت‌های خانوادگی توسط افرادی انجام می‌شود که خود افراد عامل خشونت، در خانواده‌ای تربیت شده است که به جای عشق و محبت، شاهد صحنه‌های دل‌خراش خشونت علیه سایر اعضای خانواده بوده‌اند. به عنوان نمونه بر اساس تحقیقی که در سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۹ انجام شد این نتایج به دست آمد: «آنچه از همسرکشی در صفحه حوادث مطبوعات منعکس شده است بیانگر این است که ۲۸۷ مرد و ۱۷۹ زن همسرانشان را به قتل رسانده‌اند، انگیزه‌های قتل، ۴۲ درصد رابطه نامشروع، ۲۵/۳ درصد کشمکش‌های خانوادگی، ۵/۶ درصد اعتیاد، ۹/۲ سوءظن ۷/۲ جنون و ۱۴/۵ درصد هم نامشخص بوده است» (ازه‌ای، ۱۳۹۳: ۹۹). چنانکه این پژوهش نشان داده

است، رابطه نامشروع، کشمکش‌های خانوادگی و بدگمانی که بیشترین (۷۶/۵) سهم گذار است، همه معلول یک علت و آن‌هم نبود عشق و دلدادگی در زندگی مشترک خانوادگی است.

بدین جهت وقتی رابطه زوجیت، با عشق و محبت مستحکم نشده باشد، زمینه بدگمانی دو طرف را فراهم می‌کند و این بدگمانی در عمل ممکن است کشمکش‌های خانوادگی را به دنبال داشته باشد. اگر در همین مراحل همان‌طوری که قرآن فرموده است زوجین به دنبال حل و رفع مشکل برنیایند، در مواردی نه‌چندان اندک (در صورت ضعف بنیه‌های اخلاقی و دینی) پای فرد سوم در زندگی آنان باز می‌شود. باز کردن پای فرد سوم چه از طرف زن باشد که معمولاً برای خلاص شدن از شر مرد، نقشه قتل او را می‌کشد و چه از طرف مرد که یا به‌صورت رسمی زن دوم را انتخاب می‌کند و یا به‌صورت پنهانی و مخفیانه و غیرقانونی، در این صورت نیز زن را وادار می‌کند که او نیز مقابله‌به‌مثل کند و اگر تقید مذهبی داشته باشد دوراه بیشتر ندارد یا بسوزد و بسازد و یا از طریق خشونت‌های خانوادگی و کشمکش‌ها، به دنبال جدایی باشد که چه‌بسا همین نزاع‌ها، مرگ یکی را در پی داشته باشد (Mann, 1996).

اما قتل مرد توسط زن عمدتاً به دلیل یکی از این علل است: «موانع حقوقی مثل عدم جدایی، حضانت فرزندان توسط مرد، عدم عشق و علاقه در زندگی، اخلاق بد شوهر و ازدواج اجباری» (ستوده، ۱۳۸۵، ۵۶). در لابه‌لای این علل نیز عدم عشق و محبت، بیشتر از هر علتی، خودنمایی می‌کند. در جمع‌بندی این علت، می‌توان ابراز داشت که عدم دلدادگی همسران به همدیگر و نبود عشق و محبت، از علل مهم تزلزل بنای مقدس خانواده و توجه‌گر بسیاری از قتل‌های همسران است که پژوهش‌های میدانی و آموزه‌های اسلامی مؤید آن است.

۲-۳. اعتیاد به مواد مخدر و روان‌گردان‌ها

اعتیاد به مواد مخدر، به‌عنوان نا‌همنوایی اجتماعی، پدیده‌ای است که به آن «بلائی هستی سوز» گفته‌اند؛ زیرا ویرانگری‌های حاصل از آن، زمینه‌ساز سقوط بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اخلاقی می‌گردد و سلامت جامعه را به مخاطره



می‌اندازد و هرسال این بالای خانمان برانداز، قربانیان بی‌شماری را به آغوش سرد خاک می‌کشانند (ستوده، همان، ۱۸۵). مثلاً در کشوری مثل آمریکا، نزدیک به ۴ درصد از کل قتل، در سال ۲۰۰۷ مربوط به مواد مخدر بوده است (Shafir, 2022). ارتباط بین سوء مصرف مواد مخدر و رفتار خشونت‌آمیز به‌خوبی مستند شده است؛ یک مطالعه نشان داد که بیش از ۲۶ درصد از پاسخ‌دهندگان که در یک دوره ۱۳ ماهه مصرف الکل، حشیش و کوکائین را گزارش کردند، در همان بازه زمانی مرتکب جنایت خشونت‌آمیز شدند (Martens, 2022).

یکی از ناخوشایندترین مخاطراتی که از این منظر متوجه نهاد مقدس خانواده است پدیده قتل‌های خانوادگی است که بیشترین آن‌ها ناشی از مصرف الکل و مواد مخدر است (بلال، ۲۰۲۰). چراکه مطالعات چندی، ارتباط مستحکمی بین خشونت و سوء مصرف مواد مخدر را نشان می‌دهد (همتون و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۸۶). مثلاً بیش از نیمی از متهمان متهم به قتل همسرانشان (و همچنین نزدیک به نیمی از قربانیان) در زمان حادثه، مشروبات الکلی مصرف می‌کردند (Bhpalmbeach.com, 2021). بنابراین پدیده شوم اعتیاد در موارد نه‌چندان اندک، باعث از هم پاشیدن تاروپود خانواده می‌شود. از منظر جرم‌شناسی علت شناختی، پژوهش‌های زیادی، رابطه میان اعتیاد و نا‌همنوایی اجتماعی را به اثبات رسانده است؛ مثلاً بررسی «بن‌های-۱۹۷۳» بر روی یک هزار معتاد به مواد مخدر، نشان داد که ۸۰ درصد آن‌ها قبل از اعتیاد، هیچ نوع بزهکاری اجتماعی، نداشته‌اند؛ درحالی‌که ۶۷ درصد آن‌ها پس از اعتیاد مرتکب جرم شده بودند (اسعدی، ۱۳۸۹، ۱۲۳).

همچنین در تحقیقاتی که روی دانش‌آموزان یکی از دبیرستان‌های آمریکا به مدت ۸ سال توسط «جانسون و همکاران ۱۹۷۸» صورت گرفت این نتیجه به دست آمد که میزان استفاده از مواد مخدر و ارتکاب جرم، کاملاً با یکدیگر رابطه دارند (اسعدی، همان). باینکه ارتباط میان جرم و اعتیاد به مواد مخدر و سایر مواد روان‌گردان‌ها به‌صورت ضمنی یک حقیقت مسلم است. اما در این‌که چگونه اعتیاد، در وقوع یا افزایش جرم قتل همسران تأثیرگذار است احتمالات گوناگونی مطرح شده است

از جمله اینکه مواد مثل الکل تولید سیستم ترشحات داخلی، به ویژه تستسترون را افزایش می‌دهد در نتیجه باعث عدم کنترل خشم و بروز خشونت‌های مرگبار می‌شود. برخی دیگر از پژوهشگران بر این باوراند که ممکن است بنیانی ژنتیکی برای ارتباط میان الکل و خشونت وجود داشته باشد ولی از نظر علمی هیچ‌گونه تأییدی بر آن ارائه نشده است (ولد، ۱۳۸۰، ۱۲۳). باین حال احتمالات دیگری نیز می‌توان مطرح کرد که بدون شک، در تبیین نقش مواد و اعتیاد در بروز خشونت‌های خانوادگی و همسرکشی راهگشا است. به عنوان نمونه، مصرف الکل قدرت کنترل رفتار را تضعیف می‌کند و همین امر زمینه بروز خشونت را علیه همسر فراهم می‌سازد (Galvani, 2004). به همین دلیل در برنامه‌های مداخله‌ای که طی آن، افراد برای چندین بار مصرف الکل را قطع کرده‌اند، کاهش معناداری در خشونت آن‌ها علیه همسرانشان مشاهده شده است (Stewart, 2003). استحاله شخصیت افراد معتاد و کاهش اعتماد به نفس و در نتیجه دست یازیدن به اعمال خشونت‌بار علیه همسر، به عنوان احتمال دیگری در تبیین این رابطه می‌توان ذکر کرد (Bennett and Williams, 2003). احتمال دیگری که در درجه اهمیت، کمتر از احتمالات فوق نیست این است که اعتیاد باعث از بین رفتن روابط صمیمی خانوادگی می‌شود و از سوی دیگر به دلیل تأثیرات مخرب اعتیاد، معمولاً فرد معتاد شغل خود را از دست می‌دهد، در نتیجه، وضعیت معیشتی دچار بحران شده و این امر سبب پر خاشگری و کاهش آستانه تحمل و اعمال خشونت (آقابخشی، ۱۳۷۶) و حتی قتل می‌شود.

در جامعه ایران نیز تحقیقات زیادی انجام شده است که همه پژوهش‌ها، رابطه‌ای معنادار بین اعتیاد و خشونت خانگی را اثبات می‌کنند (سالاری فر، ۱۳۸۹: ۱۵۶).^۱ به دلیل همین پیامدهای مخرب مواد مخدر و مسکرات، در فقه کیفری اسلام هرگونه استعمال آن را نا جایز شمرده است. به عنوان مثال شهید اول، بیان می‌دارد که استعمال مواد مخدر از قبیل حشیش و... حرام است و این تحریم یا به خاطر افسادش هست، پس استعمال کننده آن مشمول تعزیرات می‌شود و یا این تحریم به خاطر سکر آور

۱. برای دیدن خلاصه نتایج این پژوهش‌ها ر.ک به سالاری فر، محمدرضا، همان، صص ۱۵۳-۱۵۶.



بودن آن است، در این صورت بر استعمال کننده حد شرعی جاری می شود (عاملی، ج ۷۵/۲، فاضل مقداد، ج ۴/۳۶۵).

در برخی از آیات قرآن خداوند نسبت به مواد الکلی و سکرآور هشدار داده و آن را حرام اعلام داشته است^۱ و علاوه بر آن احادیث فراوانی در مورد تحریم آن وجود دارد به عنوان مثال در حدیثی از امام صادق (ع)^۲ در مورد علت تحریم آن پرسیده شد، حضرت فرمود: «حَرَمَهَا لِفَعْلِهَا وَ فُسَادِهَا» (حر عاملی، ۱۳۹۸: ج ۱۷، باب ۱۹، حدیث سوم)؛ خداوند شراب را به علت آثار سوء و فساد که دارد حرام نموده است. کلمه خمر و مسکر هم شامل شراب و هم شامل کلیه موادی که آثاری مشابه آثار شراب دارند مانند مواد مخدر می شود (میرایی آشتیانی، ۱۳۸۸: ۵۱). هرچند تعیین سهم گذاری اعتیاد و سایر مواد روان گردان و تأثیر بر روان افراد در قتل همسران به سادگی گفتن آن نیست و به سختی می توان فهمید که چند درصد از قتل ها مستند به این عامل است اما آنچه مسلم است این است که پدیده اعتیاد در فهرست علل قتل همسر قرار می گیرد اما این که در صدر فهرست جا خوش می کند یا خیر؟ چیزی است که به سادگی نمی توان در مورد آن اظهار نظر کرد.

نتیجه گیری

همسرکشی یعنی قتل شریک زندگی توسط یکدیگر که در قوانین به صورت جرم مستقل شناخته نشده است بلکه تحت عنوان ضابطه کلی قتل قابل بررسی است. این ناهنجاری اجتماعی بسان سایر پدیده های جنایی از قدمت طولانی، همسان با عمر بشر بر روی زمین برخوردار است. هرچند پیشینه تاریخی مبهمی دارد. اما امروزه، تب آماری آن در حال افزایش است. بررسی علت آن از زوایایی گوناگونی قابل بررسی است. آنچه بیشتر مهم به نظر می رسد سه علت قانون گذاری نامناسب، رخت بر بستن عشق و محبت از کانون خانواده به ویژه از میان زوجین و پدیده خانمان برانداز اعتیاد به انواع مواد مخدر و روان گردان است. علی رغم پای فشردن برخی بر قرار دادن قانون نگاری به ویژه با نگاه انتقاد گرایانه بر آموزه های فقهی، در صدر فهرست علت

۱. آیات ۲۱۹ سوره مبارکه بقره، ۴۳ سوره مبارکه نساء و ۹۰ سوره مبارکه مائده،



زن کشی، مشخص شد که نظریه فوق، خالی از پشتوانه محکم است. چراکه آنچه امروز در حال شیوع است بیشتر مردکشی است تا زن کشی.

بنابراین در جوامع نظیر ایران باید فکری به حال مظلومیت مردان کرد. هرچند در جوامع مردسالاری نظیر افغانستان ممکن است زن کشی بیشتر باشد اما بازهم این که قانون نگاری یا سیاست تقنینی اسلام به عنوان علت باشد اثبات چنین ادعای با نقد مواجه است. اما نقش فقدان اکسیر گران سنگ محبت در میان خانواده، در همسرکشی غیرقابل چشم پوشی است. چه این که در نبود محبت گلستان خانواده بر جهنم سوزان تبدیل شده و این آتش سوزان آسیب های غیرقابل جبران بر پیکره خانواده وارد می کند. از همین رو در آموزه های اسلامی تأکید بر یادآوری دوستی و عشق، هرچند زبانی در میان زوجین شده است. اعتیاد به انواع مخدر نیز از دیگر علت هایی است که سهم بزرگ در ویرانی بینان خانواده و قتل زوجین دارد. لذا استعمال هر نوع مواد مخدر و روان گردان در نگاه راهبردی اسلام جهت محافظت از کیان جامعه بخصوص نظام مقدس خانواده مورد تحریم قرار گرفته و حتی در مواردی برای استفاده از آن کیفرهای بدنی نیز در نظر گرفته شده است. چنانکه بسیاری از پژوهش های میدانی، شواهد کافی بر وجود رابطه میان اعتیاد و قتل همسران ارائه کرده است. بنابراین علت «نبود محبت» و «اعتیاد به مواد مخدر و روان گردان» از دید پژوهش حاضر به عنوان دو کلان علت قابل بررسی است.

فهرست منابع

قرآن کریم.

الف) منابع فارسی و عربی

۱. آقابخشی، حبیب، (۱۳۷۶)، رویکرد مددکاری اجتماعی در زمینه اثرات اعتیاد بر نظام خانواده، تهران: اداره کل مطالعات و پژوهش‌ها.
۲. ابن شهر آشوب، (بی‌تا)، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، نجف: مطبعة الحیدریه.
۳. ابوالحسن اربلی، علی بن عیسی بن ابی الفتح، (بی‌تا)، کشف الغمة فی معرفة الائمة، ج ۲، بیروت: دارالاضواء.
۴. اژه‌ای، جواد، (۱۳۹۳)، آسیب‌شناسی اجتماعی، (بانگاهی به ادیان)، تهران: سمت.
۵. اسعدی، سید حسین، (۱۳۸۹)، پیشگیری از اعتیاد، (مواد مخدر، آسیب‌ها و راهبردها)، ج ۷، تهران، انتشارات اولیاء و مربیان.
۶. بلال، سامی، (۲۰۲۰)، آثار تعاطی المخدرات والإدمان علی الحیاة الأسریة، <https://www.hellooha.com/articles/2611>
۷. حاجی ده‌آبادی، احمد، (۱۳۹۶)، جرائم علیه اشخاص (قتل)، تهران: نشر میزان.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۹۸)، وسائل الشیعه، ج ۱۷، تهران: انتشارات مکتبه الاسلامیه.
۹. روی، ماریا، (۱۳۷۷)، زنان کتک‌خورده، (روان‌شناسی خشونت در خانواده) ترجمه: مهدی قراچه داغی، تهران: انتشارات علمی.
۱۰. سالاری فر، محمدرضا، (۱۳۸۹)، خشونت خانگی علیه زنان؛ بررسی علل و درمان، با نگرش به منابع اسلامی، قم: مرکز نشر هاجر.
۱۱. ستوده، حیات‌الله، (۱۳۸۵)، آسیب‌شناسی اجتماعی، (جامعه‌شناسی انحرافات)، تهران: آوای نور.
۱۲. طوسی، اسدالله، (۱۳۹۷)، همسران شایسته، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.





۱۳. عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، (بی تا)، القواعد و الفوائد، تصحیح سید عبدالکریم الهادی الحکیم، قم: انتشارات مکتبه مفید.

۱۴. کریمی پارچین، حسین، (۱۳۹۱)، بررسی جرم‌شناختی، همسرکشی، در مقررات داخلی و اسناد بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران.

۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۱۶. محبی، مرضیه، (۱۴۰۱)، قتل‌های ناموسی و قانون، <https://www.isna.ir/news/1401012917136>

۱۷. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۴۰۰)، واکنش آیات الله محقق داماد به قتل زن ۱۷ ساله اهوازی www.Aftabnews.ir

۱۸. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳)، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، قم: موسسه آل‌البیت.

۱۹. میرایی آشتیانی، هانیه، (۱۳۸۸)، تبیین مبانی فقهی و حقوقی جرائم مواد مخدر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران.

۲۰. نوروزی، کامبیز، (۱۴۰۰)، مشکل تعدد جرائم به نقص نظام قانون‌گذاری برمی‌گردد، www.isna.ir/news/1400092821860

۲۱. ولد، جرج برایان، (۱۳۸۰)، جرم‌شناسی نظری، (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی) ترجمه: علی شجاعی، تهران: سمت.

۲۲. همتون، رابرت آل و دیگران، (۱۳۸۸)، خشونت خانواده، پیشگیری و درمان، ترجمه: داود کربلایی محمد می‌گوئی، تهران: آفرینش.

ب) منابع انگلیسی

23. Bennett, L and Williams, O.J,(2003), Substance Abuse and Men who batter, Issues in Theory and Practice. Journal of Violence against Women, 9(5).



24. Bhpalmbeach,(2021), <https://www.bhpalmbeach.com/addiction-blog/impact-substance-abuse-and-addiction-families/>
25. Martens, Tamera,(2022), How Drugs & Alcohol Can Fuel Violent Behaviors, <https://americanaddictioncenters.org/>.
26. Mann, Coramae, (1996), Richey, when women kill, Albany, new York: state university of new York: press.
27. Galvani, S,(2004), responsible disinhibition: Alcohol, men and violence to women. Journal of addiction research and theory 12(4).
28. Stewart, F.W, (2003), The Occurrence of Partner Physical Aggression on Days of Alcohol Consumption: A Longitudinal Diary Study, Journal of Consulting and Clinical Psychology, 71(1).